



پن سبب رین کسب سادیم نام رین

تجربه‌های آن، از محمد بن کرام سجستانی در روزگار سامانیان، تا مراحل بعدی.

* بر خورداری از قدرت تحلیل انتقادی شعر، تا آنجا که نظریه‌های او در باب شعر عموماً و شعر عرفانی ایران خصوصاً اصالت دارد و منحصر به خود اوست.

* استادی در تصحیح متون کهن فارسی که حاصل کمال آگاهی بر روش علمی و اصول سبک‌شناسی و نقد متون است.

حاصل برخورداری از مجموعه معیارها و مبانی یاد شده در کار تصحیح **منطق الطیر** جلوه می‌کند و کتابی فراهم می‌آورد که با نگاهی بر مقدمه عالمانه و تعلیقات بدیع آن دائرة المعارفی برابر خود می‌بایم که نکته‌های تاریک و مبهم بسیار را روشن و تفسیر می‌کند و نادرستی برخی روایات تاریخی را نشان می‌دهد. در بیان نادرستی‌ها، پروایی ندارد

دکتر شفیع کدکنی با عرضه **منطق الطیر*** به روایت خود ثابت می‌کند که صالح‌ترین فرد برای تصحیح میراث شاعران عارف ایرانی در روزگار ماست.

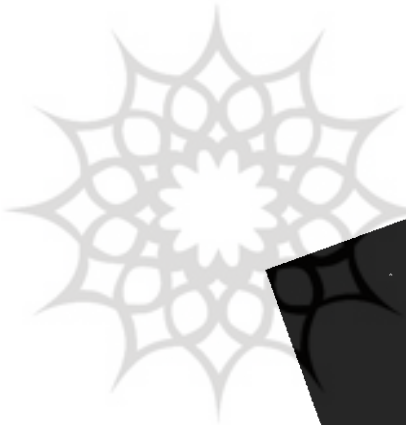
دلایل صلاحیت او را می‌توان چنین برشمرد:

* شناخت او از مبانی و منابع تصوف و عرفان اسلامی و ایرانی و میراث شعر و نثر متصوفه در حد کمال.

* درک و دریافت زبان مجاز و مستعار و راز و رمز شاعران و نویسندگان عارف ایرانی و همچنین لهجه تخاطب ایشان، تا آنجا که آشنایی با گویش خاص نیشابور و کدکن در آثار عطار او را در حل بسیاری از مشکلات لغوی **منطق الطیر** یاری داده است.

* تسلط بر مبانی جمال‌شناسی شعر شاعران عارف و درک زیبایی‌ها و صنایع و ظرایف آثارشان.

* آگاهی کامل از سیر تکامل شعر عرفانی ایران از نخستین



دکتر ایرج پارسی نژاد

صادق گوهرین بهترین آنهاست که تازه آن هم «کمتر بخشی از بخش‌های آن از غلط‌های فاحش و شگفت خالی مانده است.»^۲ نویسنده مقدمه به درستی غلط‌های منطق الطیر چاپ گوهرین را معلول اصل انحراف از اصل سخن و اندیشه شخصی عطار و همچنین انحراف از قواعد ادبی و زبانی زمین و زمان او می‌داند و می‌نویسد: «چاپ‌هایی که نسبت به چاپ گوهرین کم غلط‌تر به نظر می‌رسند آنهایی هستند که کاتبان یا مصححان آنها کوشیده‌اند، میل و سلیقه خود «اصالت» سخن عطار را قربانی «فهم و تشخیص»، خود کنند و عبارت را به گونه‌ای در آورند که از لحاظ عروض و قافیه و دستور زبان - به سلیقه خواننده معاصر - ایرادی نداشته باشد، ولی هرگز به این نیندیشیده‌اند که آیا این «بیت بی‌غلط» ارتباطی هم با سخن عطار و جهان اندیشه و سبک او دارد یا نه.»^۳

که خطاها از جانب خاورشناس بزرگ و محقق بی‌همتای آثار عطار هلموت ریتر باشد، یا از سوی استاد دانشمندش بدیع الزمان فروزانفر و یا استاد عبدالحسین زرین کوب.^۱ شفیی کدکنی در «گزارش کار» خود در روش تصحیح منطق الطیر می‌گوید با آنکه پیش از این از منطق الطیر به اصطلاح «طبع انتقادی» فراوان عرضه شده است، هنوز متن مصحح دکتر سید



خیاط نامه، وصلت نامه، هیلاج نامه، جواهر الذات، مفتاح الفتوح و هفت وادی را به عطار مردود می‌داند و فریدالدین محمدعطار نیشابوری را، علاوه بر دیوان غزلیات و قصاید و **مجموعه رباعیات (مختار نامه)** تنها سراینده چهار منظومه (**منطق الطیر**، **اسرار نامه**، **مصیبت نامه** و **الاهی نامه = خسرونامه**) می‌شناسد.

و اما فصل‌هایی که در مقدمه **منطق الطیر** آمده هر یک رساله‌ای است بدیع و اصیل که گذشته از روشن کردن متن مورد تصحیح می‌تواند مورد استناد علمی قرار گیرد. از جمله آن گفتاری است در «زبان مرغان» که محقق دانشمند به جست‌وجوی پیشینه **منطق طیر** و زبان مرغان و رمز گفتار هر یک از ایشان در قرآن کریم و ادب فارسی قبل از عطار رفته است و همچنین ترجمه شیوایی از مقاله «**پرده‌گشایی از رمزهای پرندگان و گل‌ها**» اثر عزالدین مقدسی به دست داده است. نوشته مقدسی از آثار مشهور به زبان عربی است و گذشته از پیوندی که بخش‌هایی از آن با جهان **منطق الطیر** دارد متن شیرین و دلگشایی است از یک اثر بسیار مشهور عرفانی و ادبی که تاکنون به چندین زبان اروپایی ترجمه شده و جای آن در زبان فارسی خالی بوده است.

یادداشت‌هایی که با عنوان «**تعلیقات**» بر کتاب افزوده شده بسیاری، با همه کوتاهی می‌تواند موضوع رساله‌های تحقیقاتی اصیلی در حوزه‌های تاریخی، لغوی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و تاریخ هنر ایران قرار گیرد. نکته درخور ذکر اینکه منابعی که در «**تعلیقات**» به آن ارجاع شده همه از آثار پیش از عطار است.

«**تعلیقات**» آنجا که به موضوعات تاریخی می‌پردازد حاوی نکته‌هایی تازه است که حاصل اجتهاد و حدت ذهن مؤلف دانشمند است؛ یکی از آنها باطل دانستن ماجرای آتش زدن کتابخانه اسکندریه مصر است به دستور عمر بن الخطاب، خلیفه دوم از خلفای راشدین، که بنا بر بعضی روایات، به امر او عمر بن عاص آن کتابخانه را آتش زد. نویسنده «**تعلیقات**» **منطق الطیر** در توضیح اشاره عطار منشأ این

منطق الطیر شفیع کدکنی، که حاصل بیش از سی سال تأمل و تدبیر و دقت در مجموعه آثار عطار و مجموعه تصوف خراسان و منابع اندیشه عطار است، علاوه بر بهره‌وری از بسیاری نسخه‌های کهن و شناخته شده در جهان می‌کوشد میان دو کفه ترازوی «صحت» و «اصالت» اعتدال برقرار کند و صورت درست گفتار عطار را از میان انبوه ضبط‌های مختلف، با روش علمی و اصول سبک‌شناسی و نقد متون، آشکار نماید.

مصحح کار خود را بر بنیاد دو نسخه از **منطق الطیر** به خط ابراهیم بن عوض مراغی، به تاریخ ششصد و هشتاد و اند، از موزه قونیه، گذاشته و کوشش او بر آن بوده که اطلاعات مورد نیاز خواننده جدی و علاقه‌مند را درباره این متن فراهم آورد. با این همه تأکید می‌کند که از دادن اطلاعات حشو و حاشیه‌ای و ارائه منابع زائد و «تزیینی» پرهیز کرده است، چرا که مصحح در جست‌وجوهای سی ساله خود به این نتیجه رسیده که بیش از پانصد نسخه بدل بیهوده از **منطق الطیر** در دست است، اما هنوز درست‌ترین، کامل‌ترین، اصیل‌ترین و قدیم‌ترین **منطق الطیر** همان دو نسخه خط ابراهیم بن عوض مراغی است که بنیاد تصحیح خود را بر آن نهاده است. با این همه مصحح در چند مورد به نوعی تصحیح قیاسی دست زده است که از ترکیب نسخه‌های مختلف شکل گرفته و هر کس با تاریخ زبان فارسی و مسائل فنی تصحیح متن آشنایی کافی داشته باشد آن تصحیح‌های قیاسی را اموری قطعی و مسلم به حساب می‌آورد.

مصحح فاضل با تسلط بر، به تعبیر خود، «**بوطیقا**» و «**گرامر**» عطار، توانسته به قلمرو معنا و زبان شاعر عارف راه یابد و نشان دهد که خروج از هنجارهای بوطیقایی، در عروض و قافیه شعر، از مختصات سبک عطار است و تشخیص «اصالت» در نسخه‌های آثار عطار گذشته از شناخت نسخه‌های کهن آشنایی کامل بر ذهن و زبان او را طلب می‌کند. با چنین احاطه و اجتهادی است که استاد شفیع کدکنی انتساب آثاری از قبیل **اشتر نامه**، **بلبل نامه**، **پند نامه**، **معراج نامه**، **ییسر نامه**،



کهن و نو یافته ابوسعید ابوالخیر (۳۵۷-۴۴۰) قدیم‌ترین و دقیق‌ترین توصیف را از بخشی از ادبیات نمایشی در ایران به دست می‌دهد. افزون بر این همه «تعلیقات» **منطق الطیر** دربرگیرنده بسیاری نکته‌ها در معانی و بیان سخن شاعران بزرگ نیز هست که با خواندن آنها ابهامات و ظرائف سخن شاعری چون حافظ بر خواننده روشن می‌شود. مطالعه متن ارجمند **منطق الطیر** عطار همراه با مقدمه سودمند و تعلیقات پر نکته و روشنگر آن بر اشتیاق خواننده در نشر هرچه زودتر تصحیح مجدد منظومه‌های مسلم دیگر عطار و همچنین **تذکره الاولیاء** او به همت والای استاد محمد رضا شفیعی کدکنی می‌افزاید.

پانوشت‌ها:

- * **منطق الطیر**، فریدالدین محمد عطار نیشابوری، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمد رضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱- نگاه کنید: مقدمه، صص ۹۸، ۶۴، ۷۴-۷۵.
- ۲- گزارش کار، ص ۱۲.
- ۳- همان، ص ۱۲-۱۳.
- ۴- تعلیقات، ص ۷۷۲، ش ۴۵۶۵.
- ۵- همان جا، ص ۷۷۴-۷۷۵.

روایت را بر اساس کتاب **تاریخ الحکماء** ابن قفطی و همزمان با او عبداللطیف بغدادی می‌داند و مجموعه این روایات را مخلوش می‌شناسد، به این دلیل که معتقد است «در فاصله عصر وقوع حادثه (دوران خلیفه دوم) تا حدود شش قرن، در هیچ سندی این مسئله انعکاس نیافته است».^۴ استاد شفیعی کدکنی به استناد یک متن قدیمی (**تاریخ الخلفاء**)، از قرن پنجم) ثابت می‌کند که «عمر با گروهی از ایرانیان بسیار خلوت می‌کرد و آنها کتاب‌های سیاسات را برای او می‌خواندند، به ویژه سیره انوشیروان را که وی سخت دلبسته بدان بود و فراوان بدان نظر داشت و بدان اقتنا می‌کرد».^۵ چنین شخصی نمی‌تواند با آتش زدن کتابخانه اسکندریه موافق باشد، تا چه رسد به اینکه دستور آن را صادر کند.

«تعلیقات» **منطق الطیر** حاوی موضوعات متنوع تاریخی دیگری نیز هست که هر یک از آنها می‌تواند برای محققان آن رشته درخور توجه و آموختنی باشد. از جمله شرحی است در باب پرده بازی. عطار پرده بازی و خیال بازی و بازی خیال را تقریباً به یک معنی به کار می‌برد و ظاهراً برابر است با آنچه در زبان عربی به آن «خیال‌الظل» می‌گفته‌اند. نویسنده «تعلیقات» به استناد یک سند بسیار مهم، که تاکنون کسی از آن خبر نداشته است، پیشینه این بازی را - که بخشی از تاریخ نمایشی در ایران است - به حدود قرن چهارم می‌برد و با نقل داستانی از مقامات